

خاورشناسان و رویکردهای نوین در «جمع قرآن»

فروغ پارسا

(پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

Parsa @ ihcs.ac.ir

چکیده: قرآن کریم، معجزه جاویدان پیامبر اسلام و منشور ابدی این رسالت پس از ۱۵ قرن همچنان کانون توجه و پژوهش و بررسی اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان است. بخش بسیار چشمگیری از مطالعات خاورشناسان به شناختن قرآن کریم به منزله کتاب مقدس مسلمانان معطوف شده است. این مطالعات که از اواخر قرن نوزدهم میلادی بدین سو گسترده‌گی محسوسی داشته، بنا به دلایل متعددی در دهه‌های اخیر رویکرد نوینی پیدا کرده است. تاریخ قرآن، به ویژه موضوع جمع و تدوین قرآن از مباحثی است که در پژوهش‌های غربی با رویکردهای مختلف بررسی شده است. اگرچه تولدکده دانشمند آلمانی در کتاب ارزشمند تاریخ قرآن خود با رویکردی سنتی تا حدود بسیار زیادی آرای مسلمانان در خصوص جمع و تدوین قرآن را پذیرفت، قرآن پژوهان متأخر با رویکردی شکاکانه اساساً درباب اعتبار تاریخی احادیث مربوط به جمع قرآن تردید کردند. با این همه، در دهه‌های اخیر پژوهش‌هایی بر اساس روش‌شناسی نوین در بررسی احادیث به انجام رسیده است که وثاقت و اعتبار اسناد این احادیث را تا حدودی اثبات می‌کند.

کلید واژه‌ها: خاورشناسان، تاریخ اسلام، تاریخ قرآن، حدیث، جمع قرآن.

مقدمه

ارتباط اسلام و غرب پیشینه‌ای دیرینه دارد. پربراه نیست اگر ادعا شود به محض ظهور اسلام در جزیره‌العرب و تشکیل حکومت اسلامی و ارسال رساله پیامبر (ص) به امپراتوری‌های بزرگ، اروپائیان آن روز در پی شناسایی این دین جدید برآمدند. حقیقت آن است که حکومت‌های امپراتوری هرگز تحمل ظهور قدرت سیاسی دیگر را ندارند به‌ویژه آن‌که این قدرت سیاسی ادعای جهانی شدن داشته در ابتدای ظهور قلمرو خود با تا عمق اروپا پیش رانده باشد. این همه قرینه‌هایی است بر این‌که بدون شک امپراتوری روم در قرن هفتم میلادی با بسیج کشیشان و دانشمندان دینی خود باب اسلام پژوهی را گشوده است، در برخی گزارش‌های تاریخی در منابع اسلامی و نیز در منابع مسیحی این مطالب تأیید شده است (رامیار ۱۳۶۲: ۶۵۳).

با این همه، ارتباط اسلام و غرب یا قرآن با غربیان ادوار و مراحل مختلفی را به خود دیده است که تا حدودی با اوضاع سیاسی و بعضاً با روابط بازرگانی و اوضاع اقتصادی این دو تمدن ارتباط دارد، اروپای امروز تا پیش از نهضت علمی جدید (رنسانس)، یعنی تا حوالی قرن شانزدهم به زعامت کلیسا و روحانیت مسیحی اداره می‌شد. از این رو، هرگونه ارتباط بین اسلام با اروپا بایستی از شبکه پاپ‌ها و رؤسای مذهبی مسیحیت می‌گذشت و به ناچار از تعصبات مسیحی در امان نبود. چنان‌که پادشاهان دُول اروپایی جنگ‌های صلیبی را به اندیشه هدم اسلام و آزادسازی مدفن مسیح آغازیدند و روحانیون مسیحی در خلال دو قرن معرکه جنگ را شعله‌ورتر کردند.

اگرچه پس از رنسانس ارتباط دانشمندان غربی با اسلام و قرآن تا حدودی معتدل شد، اساس و مبنای آگاهی و شناخت اروپا از قرآن به طور چشمگیری از اندیشه‌های افراطی ضداسلامی روحانیون قرون وسطی متأثر بود. از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، یعنی در عصر حاکمیت اندیشه‌های پوزیتیویستی، دانشمندان غربی فعالیت‌های ارزنده‌ای در جهت قرآن پژوهی انجام دادند. ولی چنان‌که ویژگی مطالعات پوزیتیویستی است در مسیر پژوهش‌های خود بیشتر در نقد و نفی اصالت این کتاب مقدس کوشیدند تا شناخت بی‌طرفانه و منصفانه از آن. اما با دگرگونی‌ها و تحولاتی که در جهان علم و

فلسفه علم روی داد و منطق پوزیتیویست‌ها را دستخوش تحول جدی کرد، شاهد آن بوده‌ایم که اندیشه‌های پُست مدرن روند پژوهش‌های قرآنی خاورشناسان را نیز دگرگون کرده است و مطالعات جدید قرآن‌پژوهان غربی تا حدود زیادی در جهت شناساندن معارف قرآن به اروپائیان موفق بوده است. در این میان دانشمندانی همچون یونبل (Juynboll) و موتسکی (Motzki) با ابداع روش‌های جدید پژوهشی باب تازه‌ای در موضوع «جمع قرآن» گشوده‌اند که مقاله حاضر در پی تبیین آن است.

۱. سیر تحول قرآن پژوهی در اروپا

۱.۱. دوران قرون وسطی

پس از استواری اسلام در جزیره العرب حاکمان اسلامی در دیگر نقاط جهان به فتوحاتی دست یافتند. بررسی علل و عوامل چشمگیر و تقریباً کم هزینه این پیروزی‌ها البته در حوصله این مقاله نیست، ولی به هر روی در اندک زمانی سرزمین‌هایی در آسیا و آفریقا و اروپا به تصرف مسلمانان درآمد (لوبون ۱۳۵۸: ۱۶۶؛ برینتون ۱۳۳۸: ۳۰۸).

ارتباط دانشمندان غربی با اسلام و قرآن مقارن جنگ‌های صلیبی شکل منسجمی به خود گرفت و چگونگی ارتباط و شناخت غریبان از قرآن تا حدودی دقیق در گزارش‌های تاریخی بیان شده است (رک. لوبون ۱۳۵۸).

قلمرو اسلام در آغاز جنگ‌های صلیبی در آسیا از سواحل بحر احمر تا سرحدات چین، در آفریقا از بستر رود نیل تا اقیانوس اطلس، در اروپا از تنگه جبل طارق تا دره گارول و در بحر الروم جزایر مدیترانه و جنوب شبه جزیره ایتالیا گسترده بود. فتوحات اسلام در اروپا از اوائل قرن هشتم میلادی با مانع نیرومندی مواجه شد و تا قرن پانزدهم متوقف شد. امپراتور روم شرقی شارل مارتل خط مقاومت بس طویلی از قسطنطنیه تا اندلس به وجود آورد و مسلمین را در سال ۷۱۷م از سواحل بسفور و در ۷۳۲م از ایالت پواتیه به عقب راند و از رخنه به داخل اروپا مانع شد (رشاد ۱۳۵۱: ۱۹). با آغاز جنگ‌های صلیبی در قرون وسطی (از اواخر قرن یازدهم تا اواخر قرن سیزدهم ه. ق / ۱۰۹۵ - ۱۲۷۰م) اروپائیان به طور اجباری و اضطراری به شرق روی آوردند، و به

گنجینه‌های نهان و اسرار نهفته شرق و دانش مسلمانان پی بردند و درصدد کندوکاو و پژوهش در این فرهنگ عظیم برآمدند. بسیاری از مورخان بسط تمدن و تجمل در غرب را نتیجه جنگ‌های صلیبی می‌دانند، (ماله، اِبی تا، ۲۶۹/۳ برینتون ۱۳۳۸: ۳۳۱) حتی برخی معتقدند یگانه عامل نهضت جدید اروپا و پیدایش عصر تجدد (رنسانس) اطلاع و آگاهی غربیان از تمدن مسلمین است که با مطالعه و تحقیق در کتب و آثار تمدن شرقی و اطلاع از بدایع و اختراع مسلمانان درصدد تکمیل و تقسیم این اختراعات برآمده پیشرفت‌های عظیمی در عالم علم و هنر از خود آشکار کردند (سحاب ۲۵۳۶: ۷؛ هونگه ۱۳۶۲: ۱۶؛ لوبون ۱۳۵۸: ۴۱۶-۴۱۵).

اروپائیان قسمت عمده دوره قرون وسطی را به نقل آثار و ترجمه افکار دانشوران اسلامی گذراندند و شماره کتاب‌هایی که دانشمندان اروپا در این دوره از کتب مسلمین نقل و ترجمه کردند در حدود ۳۰۰ کتاب بوده است (سحاب ۲۵۳۶: ۹، لوبون ۱۳۵۸: ۷۰۶).

آورده‌اند که «اروپائی‌ها در جنگ‌های صلیبی ابتدا به هرکتناخانه‌ای برمی‌خوردند از روی جهالت آن را آتش می‌زدند. مثل کتابخانه تونس که به همت خلفای فاطمی تأسیس شده بود که آن را طعمه حریق ساختند و اسقف طلیطله (اگزیمیسی Eximis) کتابخانه غرناطه را که ۸۰ هزار جلد کتاب داشت سفیهانه آتش زد. ولی به تدریج با علم و فرهنگ آشنایی یافتند و به ارزش کتاب پی بردند و به جای سوزاندن آن‌ها را با خود بردند (سحاب ۲۵۳۶: ۲۳).

در اوایل جنگ‌های صلیبی کتابخانه‌های اسلامی عبارت بودند از:

کتابخانه بیت الحکمه منصور واثق در بغداد - کتابخانه آل بویه در کرخ؛

کتابخانه خزانه الکتب عزیز بالله فاطمی - دارالحکمه الحاکم بامرالله؛

کتابخانه افرایم بن الزمان. حبیب مصری - خزائن نوریه در شام؛

کتابخانه موفق الدین المطران در قاهره - کتابخانه اسکندریه در تونس؛

کتابخانه قرطبه. طلیطله. قیروان. نیشابور و بخارا.

در این زمان دانشمندان غربی به آموزش زبان عربی همت گماشتند. نخستین کسی که

زودتر از همه مترجمان به کار ترجمه و نقل مبادرت کرد و در این راه شهرتی زیاد داشت. پاپ سیلوستر دوم است که در فاصله سال‌های ۹۹۹ تا ۱۰۰۳ م به این کار مبادرت کرد. بعد از وی هرمان (Herman) متوفای ۱۰۵۴ م این کار را به عهده گرفت در ۱۱۳۰ م در طلیطله انجمنی از مترجمان تحت ریاست رئیس اسقف‌ها، یعنی (ریبون) تشکیل شد و به ترجمه مهم‌ترین کتاب‌های علمی عرب‌ها اقدام کردند (لوبون ۱۳۶۲: ۷۰۵-۷۰۴).

به هر تقدیر امر پژوهش در تمدن و ترجمه کتب اسلامی به تولیت کلیسا و عالمان روحانی انجام می‌گرفت. از این رو، تعصبات دینی در دریافت‌ها و حتی در برگردان متون تأثیر داشته است. همچنین علمای یهود را بایستی از قدیم‌ترین مستشرقان شمرد؛ زیرا که در دوره قرون وسطی جمعی از دانشمندان آن قوم در علوم و فنون مختلف پیدا شدند و خود را سرآمد و برتر از دیگران فرامودند و بعد از خروج عرب از اندلس و زوال دولت ایشان از اسپانیا در نشر و بسط دانش و هنر کوشیدند (سحاب ۲۵۳۶: ۱۱).

از گزارش‌های تاریخی در خصوص مواجهه غربیان با تمدن اسلامی مشاهده می‌شود که به طور اخص در مورد کتاب مقدس اسلام، یعنی قرآن خصوصت و بیزه‌ای از خود بروز داده‌اند. از جنگ‌های صلیبی به این سو راهبان، اسقف‌ها و مبلغان مسیحی با هدف خدشه وارد کردن بر اسلام و تغییر معنای قرآن کریم و وارد کردن انواع شبهه‌ها به قرآن به ترجمه قرآن مبادرت کردند. قدیمی‌ترین ترجمه قرآن به زبان لاتین ترجمه‌ای است که به تشویق پی‌رولوونرابل (پی‌یر = بطرس المکرم المحترم / Pierre le Vénérable / ۱۰۹۲-۱۱۵۶ م) کشیش کلیسای کلونی در طی سال‌های (۱۱۴۱-۱۱۴۳ م) صورت گرفته است. (Pearson 1986: 431) کار این ترجمه را گروهی به سرپرستی روبردو روتین (Robert de Retenesis) و رابرت کیتونی (Robert of ketton) و همکاری کشیشی به نام (هرمان) که عربی و لاتین را به خوبی می‌دانستند و سه نفر دیگر انجام گرفت ولی ایشان کار خود را به ابراز عقیده درباره بعضی آیات قرآن منحصر کردند (رامیار، ۱۳۶۲: ۶۵۴). گفته‌اند مترجم واقعی شخصی به نام پیرتولدونی (Pierre of Toledo) بوده است که ظاهراً از دین اسلام به مسیحیت در آمده بوده است و عربی را بهتر از لاتین دانست و به همین جهت دستگیری که نام او هم (پی‌یر) بود به او دادند تا در انشاء لاتین وی

تجدید نظر کند این ترجمه که با هدف تبلیغ بر ضد اسلام بوده (بلاشر ۱۳۵۹: ۲۹۳) ۴ سال پیش از دومین جنگ صلیبی تقدیم قدیس برنارد کلویی شده است. این ترجمه مدت ۵ قرن وسیله تبلیغ مسیحیان بر ضد دین اسلام بوده است (مصاحب ۱۳۴۷: ۲۵۳۲). این کتاب طی قرون متمادی منبع و سرچشمه جنجال و هیاهوی بسیاری بوده است و اروپائیان طی قرن‌ها این ترجمه را مطابق قرآن واقعی می‌شناختند (رامیار ۱۳۶۲: ۶۵۵).

در هر حال، این ترجمه قرآن جزو مجموعه کلیسای کلونی نزدیک به چهارصد سال به جهت ترس از مطالعه کشیشان محقق به صورت سری و مخفی نگهداری شد (رادفر ۱۳۷۷: ۵۶۷: علی الصغیر ۱۳۷۲: ۵۹).

۲.۱. دوران پس از رنسانس

پژوهش در باب قرآن کریم با ترجمه آن به زبان‌های مختلف اروپایی پی‌گیری شد. همین‌طور که در گفتار پیشین بیان شد ترجمه لاتینی کلیسای کلونی منشاء ایجاد انبوهی از ترجمه‌های دیگر به زبان‌های مختلف اروپایی شد. در ۱۵۴۳ م این ترجمه را تئودور بوخمان سوئسی معروف به بیبلیاندر (Bibliander 1564-1504) در شهر بازل انتشار داد که دو تجدید چاپ دیگر در سال‌های ۱۵۵۰ م در زوریخ با مقدمه مارتین لوترو نیز در ۱۷۲۱ م در لایپزیک از آن به عمل آمد. (Pearson 1986: 431) قدیم‌ترین ترجمه قرآن به زبان ایتالیایی اثر آندرئا آریوابنه (Andrea Arrivabene) در ۱۵۴۷ م منتشر شد این ترجمه با آن که مؤلف آن ادعا می‌کند که مستقیماً از اصل عربی آن را ترجمه کرده، ولی روشن است که مبتنی بر ترجمه متن روبرت کیتونی (ترجمه قرآن کلیسای کلونی) است. این ترجمه را شوایگر (Schweigger) تحت عنوان «قرآن ترکان» به آلمانی ترجمه کرد و همچنین این ترجمه آلمانی در ۱۶۴۱ م در هامبورگ به زبان هلندی ترجمه شد (مصاحب، ۱۳۴۷: ۲۵۳۲).

گفتنی است که تا اواخر قرن شانزدهم در کشورهای اروپایی قرآن به راحتی نمی‌توانست در اختیار عموم مردم قرار گیرد. نخستین چاپ قرآن به کوشش الکساندر

پاگانینی در شهر ونیز به سال ۱۵۳۰ م صورت گرفت ولی پاپ الکساندر هفتم خشمگین شد و دستور سوزاندن همه نسخه‌ها را داد (العقیق ۱۹۶۴: ۳۵۷). کار ترجمه قرآن کریم به زبان‌های فرانسوی، آلمانی و انگلیسی از قرن ۱۷ به بعد را چندین تن پی‌گیری کردند (برای مطالعه بیشتر رک. به: رحمتی ۱۳۸۲: ۹۰-۸۴ و رادفر ۱۳۷۷: ۵۱۵-۵۴۳). البته می‌توان گفت در ترجمه‌های متأخر امانتداری بیشتری نسبت به متن قرآن مشاهده می‌شود. چنان‌که خود مستشرقین می‌گویند دیگر فصل حملات و سرزنش‌ها و فحاشی‌ها بر ضد اسلام ظاهراً سپری شده است (بلاشر ۱۳۵۹: ۳۹۵).

با تأسیس بخش زبان عربی و بخش مطالعات اسلامی در بیشتر دانشگاه‌های معتبر اروپا، کار اسلام‌شناسی و قرآن پژوهی روند رو به گسترشی پیدا می‌کند و آثار گرانقدری در مورد قرآن تألیف می‌شود. شاید یکی از مهم‌ترین مباحثی که خاورشناسان در پژوهش‌های قرآن بدان پرداخته‌اند مسئله تاریخ قرآن و برخی مسائل متعلق به آن باشد. از اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن بیستم کارهای گسترده‌تری در باب قرآن مجید صورت گرفت. اولین اثر در تاریخ قرآن متعلق به پوتیه (Pauthier) است که در ۱۸۴۰ م منتشر شد البته کتاب دارای بحث‌های کاملی نیست. نولدکه (Noldeke 1836-1930) با رویکردی تاریخ‌محورانه در ۱۸۶۰ م کتابی در تاریخ قرآن به چاپ رساند. این کتاب در واقع تكملة مقاله مفصل وی درباره تاریخ پیدایش قرآن بود که به زبان لاتینی نگاشته شد و در ۱۸۵۸ م برنده جایزه آکادمی ادبیات پاریس گردید. چاپ دوم این کتاب با شرح و تعلیقاتی از شاگرد مسیحی نولدکه، شوالی (Schwally) در دو جلد در لایپزیک منتشر شد. جلد نخست آن در ۱۹۰۹ م و جلد دوم آن در ۱۹۱۹ م چاپ شد. دو دانشمند آلمانی دیگر به نام‌های برگشستر (Beregsträber 1886-1932) و پرستل (Pretzl 1893-1941) در ۱۹۳۸ م جلد سومی نیز بدان افزودند. کتاب تاریخ قرآن نولدکه یکی از مهم‌ترین و مبنایی‌ترین آثار است که در تاریخ قرآن کریم نوشته شده است و فی الواقع دانشمندان مسلمان نیز از این اثر گرانمایه بهره‌های فراوان برده‌اند (برای مطالعه بیشتر رک. به بهشتی ۱۳۸۰: ج ۶، ۲۴۱-۲۴۰). یکی دیگر از کسانی که با همین رویکرد به تاریخ قرآن پرداخته بلاشر (Blachere 1900-1973) است که چهار فصل از

هفت فصل کتاب خود را به مباحث تاریخ قرآن اختصاص داده است کتاب وی در دو جلد در سال‌های ۱۹۴۹ و ۱۹۵۰ به چاپ رسید (بدوی، ۱۳۷۷: ۱۳۲) این کتاب با عنوان در آستانه قرآن به فارسی برگردانده شده است.

همگام با اوجگیری فعالیت‌های پوزیتیویستی در دنیای علم و فلسفه علم، قرآن پژوهی نیز رویکردی پوزیتیویستی و ساختارگرایانه به خود گرفت.

آثار گلدتسیهر (Goldziher 1921-1850) عالم مجاری نمونه بارزی از این گونه رویکرد است. گلدتسیهر در کتابی با عنوان مطالعات اسلامی که در ۱۸۹۰م منتشر شده، ادعا می‌کند گزارش‌های پیامبر (ص) و صحابه از متن آیات و سوره قرآن را نمی‌توان به منزله منبعی تاریخی تلقی کرد چرا که متن این احادیث عموماً در دوره‌های بعدی، یعنی در دوران امویان و عباسیان گزارش شده‌اند و در نتیجه توسعه و تکامل فقه و اصول عقاید مسلمانان در دوران‌های بعدی به وجود آمده‌اند. رویکرد تشکیکی گلدتسیهر به صورت الگو و دستورالعملی برای غربیان در پژوهش‌های قرآنی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اگرچه پیشتر نولدکه در تاریخ قرآن خود برخی ایرادات جزئی به طرز تلقی مسلمانان وارد آورده بود، در مجموع دیدگاه اجماعی مسلمانان در خصوص قرآن و جمع و تدوین آن را پذیرفته بود، ولی گلدتسیهر به طور کلی احادیث مربوط به جمع و تدوین قرآن را جعلی می‌پندارد و در اعتبار تاریخی آن‌ها تشکیک می‌کند (Goldziher 1971). تا چند دهه دانشمندان غربی نمی‌خواستند این موضع افراطی را بپذیرند تا این‌که در ۱۹۵۰م خاورشناس دیگری به نام «ژوزف شاخت» (Josep schacht 1969-1902) نظریه گلدتسیهر در باره حدیث را پیگیری کرد و در اثر معروف خود مبادی فقه اسلامی در حوزه نقد متن و سند احادیث روش نوینی را ارائه نمود، که براساس آن می‌توان تاریخ ظهور هر حدیثی را حدس زد. همچنین وی معتقد است که چگونگی جعل در متن و سند احادیث با بررسی روشمند احادیث قابل دریافت است. «شاخت» بدین نتیجه رسیده بود که همه احادیث فقهی منتسب به پیامبر ساختگی‌اند و در اواسط قرن دوم هجری، بعد از زمان شافعی از سوی نظریه پردازان مکاتب فقهی متأخر پدید آمده‌اند (Schacht 1959: 40-44). در عین حال، باید به مطلب مهمی اشاره داشت و آن این‌که

دانشمندانی مانند گلدتسیهر و شاخست که گزارش بسیاری احادیث را جعلی و بدون اعتبار و ارزش تاریخی می‌انگارند در این مطلب که قرآن از طرف پیامبر آمده تردیدی نداشتند و آن را معتبرترین منبع سیره وی برمی‌شمردند. (Motzki 2001: 4) یعنی در عین حال که معتقدند احادیثی که راجع به چگونگی نزول وحی و تدوین قرآن کریم گزارش شده‌اند عموماً، جعلی هستند ولی در این که محمد(ص) مؤلف و آورنده قرآن کریم است هیچ شک و تردیدی ندارند. موج شکاکیت که با گلدتسیهر آغاز شد بعد از شاخست فروکش کرد. و مجدداً در اواخر دهه هفتاد با آثار جان ونزبرو از سر گرفته شد. ونزبرو در دو کتاب مطالعات قرآنی و محیط فرقه‌ای تحولات مربوط به جایگاه تشریحی قرآن و تاریخ نجات اسلامی را بررسی کرد (Berg 2000: 78). به اعتقاد ونزبرو کتاب آسمانی اسلام مانند متون مقدس یهودی و مسیحی محصول نهایی روند طولانی تاریخی است. و تنها پس از بیان و تدوین فقه در قالب احکام الهی، یعنی در قرن سوم هجری بود که متن رسمی کتاب آسمانی تثبیت نهایی یافت (Wansbrough 1977: 52, 227). ونزبرو معتقد است که این متون مدارکی مرکب و مختلط‌اند و در روند تکاملی و درازمدت امت‌سازی فراهم آمده‌اند. به نظر وی چارچوب‌های کلی وحی در متن قرآن از ادبیات یهودی و متون توراتی اقتباس شده‌اند. وی در مورد تدوین قرآن، تاریخ‌نگاری و تقویم سنتی از شکل‌گیری قرآن را مردود می‌شمارد. و این کتاب را محصول کنار هم نهادن فقراتی مستقل می‌داند که به کمک شمار معینی از قواعد بلاغی تا حدی یکنواخت و متحد شده‌اند (کریمی نیا ۱۳۸۰: ۱۱۸-۱۲۰). به نظر ونزبرو قطعیت نهایی و تثبیت متن قرآن قدم به قدم با شکل‌گیری جامعه همگام است. پیش از تثبیت و مهار کامل و قاطعانه قدرت سیاسی، نه یک متن نهایی و ثابت از کتاب آسمانی لازم و نه این امر به طور کامل امکان‌پذیر بود، بدین سان، پایان قرن دوم هجری / هشتم میلادی از نظر تاریخی زمان مساعدی بود که آن سنت شفاهی و عناصر دینی گردآوری شود که از این رهگذر متن مقدس رسمی ثابت و نیز مفهوم عینی و فعلی اسلام شکل نهایی گرفت. ونزبرو به دفعات می‌گوید که این دوره زمانی مصادف است با اوج پیشرفت و شکوفایی ادب عربی (کریمی نیا ۱۳۸۰: ۱۴۶).

آثار ونزبرو تمام مطالعات اسلامی پس از خود را تحت تأثیر قرار داد. در عین حال که برخی نیز به نقادی آثار وی پرداخته‌اند. ویلیام گراهام می‌گوید «عملاً باید به نظریه تاریخ توطئه معتقد باشیم، تا حجم عظیم منابع مکتوب از جمله کتاب آسمانی را جعل شده در قرن سوم بینداریم. وی می‌گوید به‌رغم این که ونزبرو آرا و روش‌های بدیعی در قرآن پژوهی ارائه کرده، معلوم نیست چرا تألیف نهایی قرآن نه یک نسل بلکه حتماً هشت نسل به طول انجامیده است. گراهام بر این باور است که باید نظریه ونزبرو را در امتداد سنت دیرینه در شرق‌شناسی دانست که همواره مصرّانه در پی اثبات خاستگاهی یهودی برای صور و مفاهیم اسلامی بوده‌اند (کریمی نیا ۱۳۸۰: ۱۲۷).

در فاصله دهه‌های میانی قرن بیستم خاورشناسان کارهای پژوهشی بسیار زیادی در مورد جمع‌آوری و تصحیح نسخه‌های خطی قرآن، فهرست‌بندی، تفسیر و مسائل مربوط به تاریخ قرآن، علوم قرآنی، وحی و ارتباط آن با گاه‌شمار تاریخ اسلام انجام داده‌اند (برای مطالعه بیشتر رک. علی الصغیر ۱۳۷۲؛ العقیق ۱۹۶۴).

۲. رویکردهای نوین در قرآن پژوهی غرب

در آخرین دهه قرن بیستم و پدیداری جریان پُست مدرنیسم در فلسفه علم به نظر می‌رسد رویکردهای نوینی در مطالعات قرآنی شکل گرفته است. دانشمندی همچون یونبول و هارالدموتسکی مطالعات خود را به بازنگری نظریه‌های پیشین در اسلام‌شناسی و قرآن پژوهی اختصاص دادند و به‌ویژه آثاری را که در آن‌ها اعتبار تاریخی گزارش‌های حدیثی انکار می‌شود ارزیابی نقادانه کردند.

در حقیقت این‌ها روش‌های جدیدی برای تحلیل و تاریخ‌گذاری احادیث ابداع کردند (Motzki 2001). برای مثال یونبول خاورشناس پرتلاش هلندی در زمینه حدیث‌شناسی مطالعات درخور توجهی ارائه داده است. وی با روشی که می‌توان آن را تقطیر احادیث نامید، توانسته است اطلاعات نسبتاً معتبری در تاریخ اسلام به دست آورد. این همه در حالی است که خاورپژوهان پیشین متون حدیثی را به منزله منابع تاریخی به رسمیت نمی‌شناختند.

البته این بدان معنا نیست که امثال یونبول کاملاً مخالف دیدگاه‌های خاورپژوهان قبلی باشند یا این که دیدگاه‌های مسلمانان را کاملاً باور داشته باشند. چنان که یونبول خود را وامدار ساخت و گلدتسیهر می‌داند. اما از تشکیک یکپارچه ساخت نسبت به صحت احادیث انتقاد می‌کند. و با این که نسبت به ارزش تاریخی اسانید بی‌اعتقاد است، اما تاریخ ظهور این احادیث را به قدمتی حدود اواخر قرن اول هجری می‌رساند که چند دهه (با اهمیت) متقدم‌تر از تاریخی است که ساخت برای آن‌ها قرار داده است (Berg 2000, 26-27) و این همه در این جهت است که مکتب جدیدی در خاورپژوهی تشکیل شده که با روش‌شناسی جدیدی مطالب قبلی را نقد می‌کند. هارالد موتسکی از دیگر خاورپژوهانی است که روش خاورپژوهان پیشین را در حوزه علوم قرآن و حدیث به نقد می‌کشد و بیان می‌دارد که شیوه اینان از بنیان نادرست بوده است. وی چندین مقاله و کتاب در حوزه قرآن پژوهی و نیز حدیث‌شناسی نوشته است که در مقاله «جمع و تدوین قرآن» بیش از همه مطالعات قرآن پژوهان پیشین را با استفاده از روش‌شناسی جدید نقد کرده است. در این مقاله که موتسکی مسئله «جمع و تدوین قرآن کریم» را بررسی می‌کند. در حقیقت هم تاریخچه مطالعات قرآنی در این زمینه را نوشته هم تا حدودی آرا و نظریه‌های مختلف خاورشناسان در این مسئله را تحلیل و تقد کرده است.

در عین حال که مسئله جمع و تدوین قرآن کریم با استفاده از پژوهش‌هایی که مبتنی بر روش‌شناسی جدید در نقد حدیث می‌نامد بیان شده است. حقیقت آن است که راجع به مسئله جمع و تدوین قرآن کریم، خاورشناسان به دیدگاه اجماعی مسلمانان شبهه وارد کرده و بعضاً در اعتبار تاریخی این کتاب مقدس تشکیک نموده‌اند.

از این رو، دیدگاه اجماعی، در دوران حیات رسول خدا (ص)، پیامبر اکرم (ص) و بسیاری از صحابه کل قرآن را ازبر بودند، برخی نیز سوره‌هایی خاص از قرآن را به خاطر سپرده بودند. چنان که «ابن سعد» شمار افرادی را که تمام یا قسمتی از قرآن را حفظ کرده بودند در فصلی تحت عنوان «ذکر من جمع قرآن علی عهد رسول الله» گرد آورده است. (ابن سعد ۱۳۲۵: ۱۱۵/۲-۱۱۲) همچنین در کتب تاریخی نام افرادی در

مقام کاتبان وحی ثبت شده که پس از نزول آیه یا آیاتی از قرآن، پیامبر اکرم (ص) از آنان برای نوشتن آیات نازل شده دعوت می‌کرد. (ابن اثیر [بی تا] ۱/ ۵۰؛ ابن عبدالبر، ۱۳۳۶: ۲۷/۱؛ رامیار ۱۳۶۲: ۲۶۲؛ بلاشر ۱۳۵۹: ۲۷) و آیات قرآن که بر روی پارچه یا پوست نوشته شده بود در خانه رسول خدا (ص) نگهداری می‌شد. ولی قرآن به صورت مجموعه‌ای مدون در زمان حیات رسول خدا (ص) وجود نداشت (زنجانی ۱۳۴۱: ۵۴). همچنین از روایاتی که در خصوص جمع‌آوری قرآن از سوی علی (ع) پس از وفات پیامبر (ص) گزارش شده دریافت می‌شود که اگرچه تمامی آیات قرآن در زمان رسول خدا (ص) نوشته شده بود، در مجموعه مدونی وجود نداشت (زنجانی ۱۳۴۱: ۵۸-۵۹؛ زرکلی [بی تا]؛ ۱/ ۲۳۸ - ابن ندیم [بی تا]؛ ۴۸-۴۷؛ سیوطی، ۱۳۶۳: ۲۰۹/۱-۲۰۲). این مطلب که قرآن در زمان رسول خدا (ص) نوشته شده بعضاً در تحقیقات خاورشناسان نیز تأیید شده است (رامیار ۱۳۶۲: ۲۹۲).

در زمان ابوبکر قرآن جمع‌آوری شد و به صورت مصحف درآمد. آن‌گاه در زمان عثمان به دلیل اختلافات زیاد بین مصاحف مختلف یک نسخه رسمی و قانونی از قرآن تهیه و از آن نسخه برداری شد که این نسخه به منزله «مصحف عثمانی» مورد پذیرش مسلمانان قرار گرفت چنان که امیرالمؤمنین علی (ع) نیز مصحف عثمان را تأیید کرد. از آن زمان تمامی مسلمانان این مجموعه را به منزله کتاب مقدس آسمانی که به پیامبر (ص) وحی شده است می‌شناسند. البته برخی دانشمندان علوم قرآنی در بحث «جمع قرآن کریم» نظریات دیگری ارائه کرده‌اند (معرفت ۱۳۷۵: ۸۷-۸۴؛ خویی ۱۳۶۰: ۳۶۲-۳۳۵؛ ایازی ۱۳۷۸). اما خاورشناسان قرآن کریم را به عنوان منبعی تاریخی مورد مطالعه قرار داده‌اند. آن‌ها از قرآن همچون مدرکی برای اثبات رسالت محمد (ص)، سندی از صدر اسلام و حتی به منزله منبعی برای پژوهش در مذهب و جامعه عرب پیش از اسلام بهره برده‌اند. و از این رو که رویکرد تاریخی به قرآن داشته‌اند بالطبع به نقادی منبع پرداخته‌اند. هدف از این نقد، بررسی صحت و اصالت چیزی است که منبع ادعا می‌کند. چقدر فاصله زمانی و محیطی میان منبع و رویدادی که درباره آن به ما خبر می‌دهد وجود دارد؟ آیا زمان و مکانی که این منبع برای واقعه ادعا می‌کند صحیح است؟ (Motzki 2001: 1). این

اطلاعات که قرآن حاوی مطالبی است که در سه دهه نخست قرن هفتم میلادی در مکه و مدینه به محمد (ص) وحی شده است از کجا آمده است؟ (ibid 2-3) موتسکی تاریخچه آرای مختلف در این زمینه را این گونه بیان می‌کند: در بین پژوهش‌های قابل ملاحظه غربی، نولدکه در کتاب تاریخ قرآن خود روایت رسمی مسلمانان از جمع قرآن را پذیرفته است، اما در اواخر قرن نوزدهم برخی اسلام‌شناسان غربی مانند گلدتسیهر در اعتبار تاریخی احادیث مربوط به زمان پیامبر (ص) و صدر اسلام تردید نمودند. با این همه گلدتسیهر در این که قرآن مجموعه مطالبی است که به محمد (ص) وحی شده است تردید روانی دارد و قرآن را سند رسالت پیامبر (ص) می‌داند. خاورشناسان بعدی همچون ونزبرو، مشیل کوک، (Michel cook) پاتریشیا کرون (Patricia Crone) و آندره ریبین با رویکردهای افراطی به این نظریه متقابل می‌شوند که اساساً قرآن گزارش معاصر از وحی محمد (ص) نیست. یا به تعبیری دیگر اساساً این مطلب را که به طور کلی قرآن کریمی از سخنان پیامبر (ص) است مورد تردید قرار می‌دهند. در اوایل سده بیستم سوالی روایت جمع قرآن را از طرف ابوبکر بی اعتبار اعلام کرد (Motzki 2001: 7).

همچنین مینگانا (Minganal 1937-1881) درباره جمع و تدوین قرآن نظریه‌ای ارائه نمود که بر اساس آن قرآن در زمان عبدالملک اموی به ابتکار حجاج بن یوسف جمع آوری شده است.

مینگانا با فرض این که احادیث اسلامی اعتبار تاریخی ندارند پیشنهاد می‌کند برای مطالعه در باب موضوع جمع قرآن کریم به منابع غیراسلامی مانند کتب سریانی مسیحی که منعدم‌تر از منابع اسلامی هستند رجوع شود. (Motzki 2001: 15) ونزبرو همان گونه که پیشتر بیان شد در کتاب مطالعات قرآنی «جمع قرآن» را در آغاز سده ۳ ه. ق دانست در حالی که حان برتون در کتاب خود با عنوان جمع قرآن با بیان این که احادیث مربوط به جمع قرآن به دست ابوبکر و نیز عثمان اعتبار تاریخی ندارند به این نظر متقابل می‌شود که جمع قرآن در زمان پیامبر (ص) واقع شده است (Burton 1977: 105-240).

بنابر پژوهشی که موتسکی درباره جمع قرآن انجام داده است، مطالعات خاورشناسان پیشین از لحاظ مقدمات، نتایج و نیز روش‌شناسی اشکالاتی دارد به طوری که وی این

سؤال را مطرح کرده که آیا نظریات غربیان از لحاظ تاریخی از سنت اسلامی معتبرترند؟

(Motzki 2001: 15)

به نظر موتسکی رویکردهای جدید دانشمندان غربی در پژوهش‌های اسلامی و قرآنی از سویی به دلیل در دسترس قرار گرفتن منابع جدید و از دیگر سو، به سبب پیشرفت‌هایی در زمینه روش‌شناسی است.

چنان که در دو دهه اخیر منابع جدیدی در اختیار پژوهشگران قرار گرفته که قبلاً مورد استفاده نبوده است از جمله آن‌ها مصنف عبدالرزاق، مصنف ابن ابی شیبه و تاریخ مدینه از ابن شُبّه است که اهمیت زیادی دارند. همچنین در حوزه روش شناختی دو پیشرفت قابل ذکر است. اول تحلیل سندی حدیث که یونول هلندی در این عرصه ممتاز است. دوم تحلیل متن احادیث و بررسی اختلافات متنی همراه با تحلیل اسناد احادیث (ibid, 16)

۱.۲. نو یافته‌ها در میان متون در دسترس

پژوهشگران غربی پیش از این تصور می‌کردند که قدیم‌ترین منبعی که تاریخ جمع قرآن در آن آمده است، صحیح بخاری (د. ۲۵۶ هـ) است. یعنی فاصله‌ای تقریباً دو بیست ساله میان پدیده جمع قرآن و ثبت گزارش‌های آن در منابع مکتوب وجود دارد. اما در واقع این طور نیست و قبل از بخاری این احادیث با اختلافاتی در کتب دیگر ذکر شده است. چنان که این احادیث در مسند ابن حنبل (د. ۲۴۱ هـ) ذکر شده است. احادیث ابن حنبل به وسیله افرادی که متعلق به یک نسل قبل از بخاری هستند گزارش می‌شوند. اما باید گفت این احادیث باز هم پیشتر یعنی در مسند طیالسی (د. ۲۰۴ هـ) نیز گزارش شده است.

در عین حال که احادیث طیالسی و ابن حنبل و بخاری با هم اختلافاتی در اسناد و نیز متن دارند و هر یک مستقل از دیگری‌اند باز هم قدیم‌تر از احادیث مربوط به جمع قرآن در جامع عبدالله بن وهب (د. ۱۹۷ هـ) یافت می‌شود. بر مبنای تحقیقات و با دقت در احادیث مختلف مورد بحث می‌توان تاریخ این احادیث را خیلی قدیم‌تر ارزیابی کرد. تازه

با استفاده از منابعی که تا سال ۱۹۷۷ در دسترس است نه تنها می‌توان این نتیجه را تأیید کرد بلکه می‌توانیم تاریخ وفات راوی و گزارشگر احادیث را معلوم کنیم. بنابراین، احادیث مربوط به تاریخ مصحف در قدیم‌ترین زمان به قبل از پایان قرن دوم مربوط می‌شود. این نتیجه موقتی، که بعدها با تحلیل اسناد می‌تواند تاریخ قدیم‌تری را نیز روشن سازد، ضعف نظریه مینگانا و ونزبرو و برتن درباره این احادیث را معلوم می‌کند. چه آن‌ها تصور می‌کردند این احادیث به قرن سوم هجری برمی‌گردد (ibid, 20-21).

۲.۲. پیشرفت در حوزه روش‌شناسی تحلیل اسناد

موتسکی می‌گوید: تاریخ‌گذاری احادیث با این روش که زمان تألیف آثاری را که این احادیث برای اولین بار در آن جا گرد آمده‌اند حدس بزنیم، حداکثر ما را در این موضوع به ربع آخر سده ۲ هـ ق رهنمون می‌کند. اما آیا این متون پیش از این که در این آثار یافت شوند سرگذشتی نداشته‌اند؟

معمولاً احادیث نشانه‌هایی از تاریخ خود را در ضمن اسانید خود ارائه می‌کنند ولی اکثر اسلام‌شناسان غربی از زمان گلدتسیهر به بعد اسانید را نادیده گرفته و بر آن اعتماد نکرده‌اند این بی‌اعتمادی در همه مطالعاتی که مربوط به جمع قرآن است جریان دارد. ساخت هم‌گرچه اسانید را جعلی می‌داند با ارائه روشی مبتنی بر مقایسه اسانید مختلف و یافتن حلقه مشترک در پی آن است که جاعل حدیث را کشف کند. پیشنهادهای روش‌شناختی او منظم شده و در ۲۵ سال گذشته تحولاتی داشته به گونه‌ای که می‌توانیم از روش‌شناسی در تحلیل اسناد سخن بگوییم و اگرچه برخی فرضیات وی مورد اختلاف است هنوز روش وی برای تاریخ‌نگاران صدر اسلام درخور توجه است (Motzki 2001: 21).

نخستین گام برای تعیین حلقه مشترک این است که تمام روایات هر حدیثی از منابع مختلف یکجا جمع‌آوری شود ولی در موضوع مورد بحث ما صرفاً منابع قرن ۲ و ۳ کافی است. بهتر است احادیث همه منابع مورد دسترس حتی منابع متأخر جمع‌آوری شود.

موتسکی در مقاله خود ابتدا به تحلیل احادیث «جمع قرآن از سوی ابوبکر» و سپس به احادیث مربوط به تدوین رسمی قرآن از سوی عثمان می‌پردازد. وی می‌گوید: دربارهٔ اولی احادیث در منابع متعدد و با اسناد بسیاری آمده است که برای وضوح بیشتر می‌توان آن‌ها را به دو دسته تقسیم کرد: نخست اسانید تألیفاتی که تا سال ۲۵۶ (سال فوت بخاری) تألیف شده‌اند. دیگر کتاب‌هایی که نویسندگانشان تا سال ۳۱۶ (سال فوت ابن ابی داوود) می‌زیسته‌اند. در دستهٔ نخست احادیث در ۶ منبع آمده‌اند. جامع بخاری، مسند ابن حنبل، فضایل عبدالرزاق، تفسیر عبدالرزاق، مسند طیالسی و مغازی مصعب بن عقبه (د. ۱۴۱ هـ). گفتنی است که کتاب مغازی از طریق منابع متأخرتر شناخته شده است. در این منابع جمعاً ۱۴ طریق ذکر شده که همگی در یک راوی همدیگر را قطع می‌کنند و آن راوی ابن شهاب زهری (د. ۱۲۴ هـ) است که او را حلقهٔ مشترک می‌نامیم. پس از او حدیث از طریق ابن سباق به زید بن ثابت که راوی ادعا شده حدیث است می‌رسد. همچنین برخی دیگر از راویان هم در طبقات بعد مشترک‌اند که به تعبیر یونبول حلقه‌های جزئی مشترک نامیده می‌شوند (*ibid*, 22-26).

در احادیث دورهٔ دوم یعنی ۶۰ سال پس از فوت بخاری نیز این سلسله احادیث در ۵ منبع آمده است که عبارت‌اند از: المصاحف ابن ابی داوود، جامع الیابان طبری، مسند ابویعلی، سنن الکبری از نسایی، و جامع صحیح ترمذی. در این منابع نیز جمعاً ۱۴ طریق روایت حدیث ذکر شده است که دوباره همهٔ این‌ها در ابن شهاب زهری (با دو مورد استثناء) مشترک و پس از وی حلقه مشترک جزئی همان ابن سباق و زید هستند می‌بینیم که در این دو دسته روایات حلقهٔ مشترک همان محمد بن شهاب زهری است و همهٔ اسانید در وی جمع می‌شوند و این مطلب تصادفی نیست.

این پدیده را چگونه می‌توانیم تحلیل کنیم. در این جا دو احتمال وجود دارد. اول این که سلسله اسناد روند واقعی نقل روایت را منعکس کرده است. یعنی زهری در واقع منبع نقل حدیث است. دیگر این که این حلقه مشترک خود زائیده جعل سازمان یافته احادیث است که برخی دانشمندان غربی به آن متذلل شده‌اند (*ibid*, 27).

اما تبیین این حلقهٔ مشترک به منزلهٔ پدیده‌ای جعلی چند نقطهٔ ضعف دارد. اول

این که: این گونه جعل، صرف تصور است. درست است که برخی جعل‌ها صورت گرفته است، هیچ قرینه‌ای وجود ندارد که جعل روشی عمومی در تکوین سازمان یافته اسناد باشد. دوم این که فرض جعل در این مورد خیلی ساختگی به نظر می‌رسد زیرا لازم می‌آید شمار زیادی از راویان و جامعان حدیث دقیقاً یک گونه جعل را انجام داده باشند. سومین و مهم‌ترین دلیل آن که مقایسه‌ای میان متون و اسانید نشان دهنده رابطه میان سند و متن است. چنان که اگر متون را با معیار مشابهت به چند دسته تقسیم کنیم: خواهیم دید که گروه‌های مختلفی از متون با گروه‌های مختلفی از اسانید مطابقت دارند. این ارتباط نزدیک بین متون و اسانید این فرض را تقویت می‌کند که حلقه مشترک نتیجه نقل واقعی حدیث است. افزون بر این که فرض جعل حدیث معنایش این خواهد بود که جااعلان علاوه بر جعل سندها متون احادیث را نیز به گونه‌ای سازمان یافته تغییر داده باشند که باید گفت این فرض خیالی بیش نخواهد بود.

بنابراین، موتسکی نتیجه می‌گیرد محمد بن شهاب زهری منبع واقعی نقل این رشته احادیث است و با توجه به زمان وفات وی، در سال ۱۲۴ ق، می‌توان گفت حدیث جمع ابوبکر در ربع نخست سده دوم رواج داشته است. درباره تدوین رسمی قرآن به دستور عثمان هم ابن شهاب زهری حلقه مشترک است و مشکلی پیش نمی‌آید که بگوییم «زهری» این قضیه اخیر را از انس بن مالک (د. ۹۱ ه) و قضیه جمع ابوبکر را از عبید بن سباق شنیده است. یعنی می‌توان تصور کرد روایات جمع قرآن در اواخر سده اول هجری رواج داشته و زهری برخی از آن‌ها را نقل کرده است (ibid, 27-29).

از لحاظ سال وفات زهری می‌توان گفت دلیلی وجود ندارد که تصور کنیم وی نمی‌توانسته اطلاعات مربوط به جمع اولیه قرآن را از تابعی نه چندان مشهور عبید بن سباق (زمان وفات ناشناخته است) دریافت کرده باشد و عبید بن سباق که درباره جمع و تدوین نهایی رسمی قرآن اطلاعاتی از انس بن مالک (د. ۹۱ ه) داشته در اختیار وی گذاشته است.

این نتیجه از طریق دیگر احادیث زهری درباره جمع قرآن تأیید می‌شود. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت روایات جمع قرآن به دست ابوبکر و نیز تدوین رسمی عثمان از قرآن

قبلاً در دهه آخر قرن اول هجری رواج داشته و زهری احتمالاً به واسطه افرادی که در اسانید به آنها اشاره کرده آن‌ها را دریافت کرده است. ملاحظه می‌شود که این تاریخ‌گذاری اساساً با تاریخ‌هایی که ونزبرو برای احادیث تعیین کرده و آن‌ها را به قرن سوم هجری متعلق دانسته‌اند کاملاً متفاوت است (ibid, 31).

البته موتسکی در نتیجه‌گیری خود می‌گوید: ما نمی‌توانیم اثبات کنیم که روایات مربوط به تاریخ قرآن به شاهدان عینی وقایع باز می‌گردد و نمی‌توانیم مطمئن باشیم که مسائل همان‌گونه که در احادیث آمده اتفاق افتاده است. ولی به هر حال، گزارش مسلمانان بسیار قدیم‌تر و در نتیجه به وقایع بسیار نزدیک‌تر از آن تاریخی است که تاکنون خاور پژوهان غربی می‌اندیشیده‌اند و باید گفت دیدگاه‌های غربی در این باره بسیار دور از واقعیت است (ibid, 31).

منابع و مأخذ

- ابن اثیر [بی تا] أسد الغابة فی معرفة الصحابة، تهران، انتشارات اسماعیلیان.
- ابن سعد، (۱۳۲۵)، الطبقات الکبیر به تصحیح دکتر یوسف هور ویتس، طهران، مؤسسه النصر.
- ابن عبدالبر، القرطبی (۱۳۳۶)، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، حیدرآباد دکن، مطبعة دائرة المعارف النظامية، ج ۱.
- ابن ندیم، [بی تا] الفهرست، مصر، مطبعة الاستقامة.
- ایازی، سید محمد علی، (۱۳۷۸)، کاوشی در تاریخ جمع قرآن، رشت، انتشارات کتاب مبین.
- بدوی، عبدالرحمن، (۱۳۷۷)، دایرة المعارف مستشرقان، ترجمه صالح طباطبائی، تهران، انتشارات روزنه.
- برینتون، کرین و دیگران (۱۳۳۸)، تاریخ تمدن غرب و مبانی آن در شرق، ترجمه پرویز داریوش، تهران، کتابخانه ابن سینا.
- بلاشر، رزی، (۱۳۵۹)، در آستانه قرآن، ترجمه محمود رامیار، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- بهشتی، محمدرضا، (۱۳۸۰)، «تاریخ قرآن»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۶، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران.
- خوبی، ابوالقاسم (۱۳۶۰)، بیان در مسائل کلی قرآن، ترجمه صادق نجمی، هاشم هریسی، قم، نشر مجمع ذخایر اسلامی.
- دورانت، ویل، (۱۳۶۶)، تاریخ تمدن، ج ۴، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- رادفر، ابوالقاسم، (۱۳۷۷)، «ترجمه لاتینی قرآن کریم»، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، به کوشش بهاءالدین خرمشاهی، تهران، دوستان، ناهید، ج ۱.
- رامیار، محمود (۱۳۶۲)، تاریخ قرآن، امیرکبیر، تهران.
- رحمتی، محمدکاظم، (۱۳۸۲)، «ترجمه قرآن به زبان‌های دیگر»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۷، زیر نظر حداد عادل، تهران.
- رشاد، محمد (۱۳۵۱)، جنگ‌های صلیبی، تهران، نشر اندیشه.
- زرکلی، خیرالدین [بی تا] | الاعلام، ط ۳.
- زنجانی، ابوعلی... (۱۳۴۱ هـ ش)، تاریخ قرآن، تبریز، کتابفروشی سروش.
- سحاب، ابوالقاسم، (۲۵۳۶)، فرهنگ خاورشناسان، تهران، سحاب کتاب، چاپ دوم.
- سیوطی، جلال الدین، (۱۳۶۳)، الاتقان، ترجمه سیدمهدی حائری قزوینی، تهران، امیرکبیر، ج ۱.
- العقیقی، نجیب، (۱۹۶۴ م)، المتشرقون، قاهره، دارالمعارف.
- علی الصغیر، محمد حسین، (۱۳۷۲)، خاورشناسان و پژوهش‌های قرآنی، ترجمه محمد صادق شریعت، قم، مؤسسه مطلع الفجر.
- کریمی نیا، مرتضی، (۱۳۸۰)، بولتن مرجع ۶ مطالعات قرآنی در غرب. تهران، انتشارات بین‌المللی الهدی.
- ماله، آلبر [بی تا] | تاریخ عمومی، ترجمه عبدالحسین هژیر، تهران، ابن سینا، ج ۳.
- مصاحب، غلامحسین، (۱۳۴۷)، دایرةالمعارف فارسی، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ج ۲.

- معرفت، محمد هادی، (۱۳۷۵)، تاریخ قرآن، تهران، سمت،
- لوبون، گوستاو، (۱۳۵۸)، تمدن اسلام و عرب، ترجمه سید هاشم حسینی، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
- هونگه زیگرید، (۱۳۶۲ هـ ش)، فرهنگ اسلام در اروپا، ترجمه مرتضی رهبانی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- Berg, Herbert, (2000) *The Development of Exegesis in Early Islam*, Curzon.
- Burton, J. (1977), *Collection of the Quran*, Cambridge.
- Pearson, (1986), "Translation of the Kuran", *Encyclopaedia of Islam*, Volume. V. Brill, LEIDEN.
- Motzki, Harald, (2001), "The Collection of the Quran", *Der Islam*, 78, pp. 1-34.
- Schacht, Joseph (1959), *The Origins of Muhammad Jurisprudence*, Oxford.
- Wansbrough, (1977), *Quranic studies*, Oxford.
- Juynboll, G.H.A, (1983) *Muslim tradition, studies in chronology, provenance and Authorship of Early hadith*, Cambridge; Cambridge university press.
- Goldziher, Ignaz (1971) *Muslim studies*, translated by C.R. Barber and S.M. Stren. 2vols London: George Allen and Unwin.